

حکومت استبدادی

حکومت استبدادی نوعی حکومت است که در آن دامنه اختیارات حاکم و طول دوره حکومت آن‌ها بسیار است. در حکومت استبدادی؛ توزیع قدرت عادلانه نیست. طرفداران حکومت استبدادی؛ معتقدند که این نوع حکومت امکان انباشت سرمایه، برنامه‌ریزی متمرکز و تصمیم‌گیری قاطع برای رفع موانع راه را برای توسعه فراهم می‌سازد. در حالی که مخالفان این نوع حکومت معتقدند که استبداد باعث احساس بی‌قدرتی سیاسی در بین مردم می‌شود و کارایی و خلاقیت آن‌ها را کاهش می‌دهد.

«استبداد» از منظر قرآن

قرآن کریم خاستگاه استبداد را در «خود بنیاد پنداری آدمی» می‌داند. از این رو نه حکومت فردی، نه حکومت جمعی و نه هر گونه سازوکاری از توزیع قدرت را، مانع نفوذ استبداد نمی‌داند. استبداد در قرآن که با واژگانی چون ستم، نافرمانی، جور و شرک بیان شده است...

قرآن کریم خاستگاه استبداد را در «خود بنیاد پنداری آدمی» می‌داند. از این رو نه حکومت فردی، نه حکومت جمعی و نه هر گونه سازوکاری از توزیع قدرت را، مانع نفوذ استبداد نمی‌داند. استبداد در قرآن که با واژگانی چون

ستم، نافرمانی، جور و شرک بیان شده است، خود دارای سطوح مختلفی است که از نافرمانی خداوند آغاز می‌شود، سپس به طغیان در روابط میان انسان‌ها و ستم انسان به نفس خود، منتهی می‌شود. قرآن در داستان‌های تاریخی اقوام پیشین، معاصران پیامبر و سرانجام نافرمانان بر «روحیه خود بنیاد پنداری» آنان تأکید دارد.

مقدمه

۱. علی رغم توجه دیرینه مسلمانان به پرهیز از خودکامگی حکمرانان در قالب عناصر نظارتی‌ای همچون شورا، نصیحت ائمه مسلمانان و امر به معروف و نهی از منکر، به لحاظ نظری، و برقراری سازو کار هنجاری - اخلاقی «نصیحهُ الملوك» به لحاظ عملی، استبداد داخلی جوامع اسلامی یکی از دو علت اصلی انحطاط مسلمانان در دوره معاصر، به وسیله مصلحانی چون سید جمال الدین اسدآبادی، محمد عبده و رشید رضا شناسایی شده است. در تاریخ معاصر اسلام نیز نویسندگانی چون عبدالرحمن کواکبی، ۱ محمد حسین نایینی ۲ و همکفران مشروطه خواه دیگر او چون محمد اسماعیل محلاتی و فاضل ترشیزی ۳ و در دوره اخیر سید محمود طالقانی ۴ به صورت جدی‌تری به این مسأله پرداخته‌اند. اگر این نویسندگان به سرزنش خودکامگی فردی پرداخته‌اند، عبدالله مازندرانی یکی از دو مرجع هوادار مشروطیت در نجف نیز

با مشاهده سرانجام نهضت مشروطه، از خصلت «استبداد مرکبه» آن نهضت انتقاد کرده و استبداد داخلی را همچنان پابرجا دانست.

توجه به مسأله توزیع قدرت سیاسی و مبارزه با استبداد از دهه ۱۹۸۰ میلادی

به بعد در ایران و جهان اسلام، در قالب موج «مردم سالاری» خواهی، به

شکلی دیگر، بازتاب مضاعفی یافت؛ به گونه‌ای که حتی اسلام‌گرایان تندی

چون اخوان المسلمین مصر، اردن، اسلام‌گرایان ترکیه، سودان و الجزایر نیز

با هدف مشارکت در قدرت سیاسی از یک سو، و کنترل استبداد فردی غالب

حکومت‌های خود از سوی دیگر، به مبارزات پارلمانی کشیده شدند. در موج

جدید «مردم سالاری» خواهی جدید، مسأله «استبداد» از بُعد فردی آن به بُعد

استبداد اکثریت در صحنه نظریه‌پردازی کشیده شده و کانون توجه از استبداد

فردی به استبداد جمعی، یا به قول عبدالله مازندرانی استبداد مرکبه، جلب شده

است؛ از این رو توجه به نگرش قرآن به مسأله استبداد می‌تواند در شیوه

درست اتخاذ نظریه‌ای سیاسی برای جوامع کنونی اسلامی مفید باشد.

● مشروطه:

به معنی "مشروط" و متضاد حکومت «مطلقه» و «مشروطه‌خواه» به مفهوم آن

کس که به جای حکومت خودکامه کهن یا «استبداد» که شاه را فعال مایشاء

سرنوشت ملت و صاحب امتیاز بلامنافع جان و مال و شرف آنان ساخته

است، خواستار حکومت «مشروطه» یا حکومت مبتنی بر «قانون» است.

«مشروطه خواه» ضد مستبد یا طرفدار حکومت خودکامه است و شاید بتوان

گفت این واژه "Parliamentarian" است. (۱)

در سراسر مبارزه ایرانیان نسبت به سیاست‌های خود، ایرانیان آگاهانه برای

موجودیت خود به‌عنوان (ملت) جنگیده‌اند و بدین لحاظ حزب مشروطه یا

مردمی را به درستی می‌توان «ملی‌گرا» (Nationalist) نامید. نکته اصلی که

می‌خواهم بر آن تکیه کنم این است که در ایران آن حزبی که با واژگان

گوناگون «ملی‌گرا»، «مشروطه خواه» و «مردمی» (Popular) نامیده می‌شود،

اساساً حزبی میهن‌پرست و خواستار پیشرفت، آزادی، تساهل و برتر از همه

استقلال ملی و «ایران برای ایرانی» است و وجود آن معلول سیاست

کوتاه‌بینانه، خودخواهانه و غیروطن‌پرستانه‌ای است که ناصرالدین تحت نفوذ

زیان‌بار امین‌السلطان پیشه کرد و کماکان توسط نوه‌اش محمدعلی شاه دنبال

شد. (۲)

عباس امانت در بیان مفهوم واژه مشروطه عقیده دارد که: واژه مشروطه

همچون بسیاری از اصطلاحات کلیدی آن دوران، از جنبش عثمانی‌های جوان

نیز نشأت می‌گرفت. «نامق کمال»، اندیشه‌گر قرن ۱۹ ترکیه، اشاره به یک

حکومت مشروطه با عنوان «دولت مشروطه» داشت و نظامی و کالتی را تحت توجهات اسلام به نام «اداره مشروطه» که برای تمامی ملل تحت سلطه عثمانی کارایی داشته باشد، مطرح می‌ساخت. این اصطلاح از سوی «مدحت پاشا» در خلال مقطع بی‌دوام مشروطه‌خواهی سال ۱۸۷۶ پذیرفته شد. این احتمال نیز هست که واژه دو پهلوی «مشروطه» به عمد برای ترجمه واژه فرانسوی "Contittononelle" به کار برده شد تا آن نظام پیشنهادی جدید با مفاهیم حقوقی و منطقی «شرط» و «مشروطه» در رویه قضایی اسلام آشتی دهد. (۳)

این واژه از حدود سال ۱۸۹۷ م. در ایران کاربرد دارد. از قرار معلوم تقی‌زاده اولین نماینده‌ای بود که در مشاجرات مجلس لغت "مشروطه" را در سخنرانی مهم ذیقعه سال ۱۳۲۵ / ۲۲ دسامبر ۱۹۰۶ مطرح کرد. اما مشروطه و مفاهیم حقوق اساسی از سوی محافظه‌کاران استقبال نشد. این افراد تنها پیش از مشاجرات شدید در مجلس و بیرون از آن و طی گذر زمان آن را پذیرفتند. (۴)

حتی در فرمان ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ ق. (۵ اوت ۱۹۰۶ م.) - فرمان مشروطیت - که اختیارات لازم برای تشکیل مجلس اول را فراهم می‌ساخت نیز از واژه مشروطه ذکری نشده است. واژه مشروطیت در متمم قانون اساسی وارد می‌شود و بدون تعریفی دقیق از آن صرفاً ماهیت حکومت ایرانی را

خاطرنشان می‌کند و در ماده ۷ اشاره می‌شود که "اساس مشروطیت"،
موقوف‌الاجرا نیست. (۵)

در نوشته‌های پژوهشگران نو ایران و ترکیه، واژه "مشروطه" به‌عنوان
معادلی برای واژه انگلیسی «کنستیتوشنالیزم» یا حکومتی که بر شالوده یک
قانون اساسی و نظام پارلمانی بنیاد شده باشد به کار برده می‌شود. در ایران
دو واژه «مشروطه» و «مشروطیت» به آن حکومتی گفته می‌شود که پس از
انقلاب سال ۱۹۰۶ م. (۱۳۲۴) پدید آمد. (۶) به نظر می‌رسد نخستین بار واژه
مشروطه، توسط میرزا حسن خان سپهسالار در سال ۱۹۶۸ م. / ۱۲۸۵ هنگامی که
سفیر ایران در دربار امپراتوری عثمانی بود در خلال برخی از گزارش‌های
خود به معنی مورد بحث کنونی ما، به ایرانیان معرفی شد. سیدحسن تقی‌زاده
می‌نویسد: یکی از علمای تبریز، آقای میرزا صادق آقا، پیشنهاد کرد که لفظ
اصلی اروپایی که همان "کنستیتوسیون" (Constitution) می‌باشد در ایران به
کار برده شود. (تقی‌زاده، خطابه، صفحه ۵۲) علمای ایرانی ساکن عراق که در
آغاز سال ۱۹۱۲ م. / ۱۳۳۰ به‌عنوان اعتراض به اشغال ایران به‌وسیله روس و
انگلیس، از نجف، کربلا و سامره به قصد عزیمت به ایران در کاظمین توقف
کرده بودند. نیز واژه مشروطه را ریشه شرط گرفتند و به‌عنوان یک رژیم
ضداستبداد معنا کردند. (۷) واژه مشروطه برای حکومتی به کار برده شد که

براساس قانون اساسی و نظام پارلمانی بنیاد گردد و آن واژه از آن جهت در

ایران متداول شد که قرار بود رژیم نو به حدود و شرایطی که قانون معین

می‌کرد، محدود باشد. (۸)